



خانم کاترین اشتون، مسئول  
ارشد سیاست خارجی اتحادیه  
اروپا در نشست رسانه‌ای در پکن

می‌دهد که دولت چین در حال حاضر به تصاحب‌های عمده در اروپا چراغ سبز نشان داده است. اما باوجود آنکه روشن است که تصویر در ۵ سال گذشته تغییر کرده است، اما دقیقاً نمی‌دانیم تا چه حد، زیرا چهار پنجم سرمایه‌های خارجی چین جریان می‌گیرد از طریق مراکز خارج از کشور مانند هنگ کنگ و جزایر کیمن و ویرجین (Cayman and Virgin Islands). درحالی‌که چین مراکز قبلاً بیشتر توسط شرکت‌های خارجی مایل به سرمایه‌گذاری در چین، یا برای "دور زدن" (یعنی استفاده سرمایه‌گذاران چینی از [نام] یک نهاد خارجی در کشور خود) مورد استفاده قرار می‌گرفت؛ امروزه برای خرید دارایی‌های اروپایی توسط شرکت‌های چینی استفاده می‌شود.

پروژه‌های گرین‌فیلد، ترکیب‌ها و ادغام‌ها و تجارت و موافقت‌نامه‌های همکاری با تکیه بر تامین مالی چین، به‌طور ناگهانی سطح کلی سرمایه‌گذاری چین در اروپا را افزایش داد. در دو فصل گذشته (یعنی از اکتبر ۲۰۱۰ تا مارس ۲۰۱۱)، شرکت‌ها و بانک‌های چینی ۶۴ میلیارد دلار یا بیش از نیمی از کل سرمایه‌گذاری و تسهیلات تجاری جاری در اروپا از اوایل سال ۲۰۰۸ هزینه کرده‌اند.

بدهی‌های بسیار کمتری نسبت به افزایش ذخایر خود در آمریکا بخرد، یعنی به خرید بدهی‌های عمومی اروپا روی آورده است. این ابهام دوگانه در خرید اوراق قرضه باعث ایجاد وابستگی ناسالمی برای برخی از کشورهای عضو به چین و نه نوعی وابستگی متقابل بین تمام اروپا و چین، می‌شود. از تبعات نداشتن یک سیاست استقرار عمومی مشترک و یا هماهنگ‌شده این است که کشورهای عضو در برابر یکدیگر برای تامین امنیت طلبکاران خارجی به رقابت پردازند.

#### سرمایه‌گذاری مستقیم چین در اروپا

راه دوم حضور مستمر چین در اروپا سرمایه‌گذاری مستقیم در شرکت‌های اروپایی است. پنج سال پیش، مهمترین خبر در مورد ایجاد پایگاه‌های تولید چند ملیتی اروپایی در چین بود. در آن زمان، سرمایه‌گذاری مستقیم کل چین در اروپا ۱/۳ میلیارد بود. در سال ۲۰۱۱ هم تاکنون سه مورد تصاحب بزرگ وجود داشته است: منابع یک شرکت نفتی اسپانیایی در برزیل، یک شرکت شیمیایی مجارستانی و یک واحد بزرگ سیلیکون نروژی، که هر یک از اینها از مبلغ فوق بیشتر است. این معاملات نشان

ابهام خود چین و استفاده از شخص ثالث در بازارهای مالی با بی‌لیاقتی اروپا برای محاسبه خریدهای خارجی بدهی‌های عمومی اروپا تشدید می‌شود. این ویژگی ذاتی محدودیت‌های اتحادیه پولی است: کشورهای عضو داده‌های خود را در مورد خرید اوراق قرضه پیش خود نگه می‌دارند و بانک مرکزی اروپا تنها برای خریداران خارجی ارقامش را ارائه می‌کند که شامل خریدهای داخل اروپا می‌شود. به طور خلاصه، اروپا در مورد دارندگان بدهی‌های عمومی خود به‌طور غیرقابل باوری ناآگاه است. هیچ راهی برای دانستن اینکه آیا چین واقعاً ۲۵ درصد از ذخایر خود را، که به‌طور مکرر در رسانه‌ها تکرار می‌شود، به یورو تبدیل کرده است، وجود ندارد.

اروپا باید از اینکه چین سهم بزرگتری در بدهی‌های عمومی اروپا، مانند آنچه در ایالات متحده انجام داده است، به عهده بگیرد استقبال کند. مشکل این است که اروپا هیچ راه حل واقعی برای مطمئن شدن از اینکه واقعاً چنین اقبالی به یورو از طرف چینی‌ها و در این مقیاس بزرگ در حال رخ دادن است، ندارد. تنها نکته‌ای که می‌توان گفت این است که، اگر چین به طور ناگهانی